

بررسی تاثیر شیوه های آموزش ارزشهای دینی (با تاکید بر روش قصه گویی) بر خلاقیت و تفکر انتقادی در دانش آموزان دختر

آمنه امینی^۱، مهشید ایزدی^۲

^۱ گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
^۲ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

مهشید ایزدی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر شیوه های آموزش ارزشهای دینی (با تاکید بر روش قصه گویی) بر خلاقیت و تفکر انتقادی در دانش آموزان با روش تحقیق آزمایشی پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دختر پایه ششم ابتدایی شهرستان سردشت در سال ۱۳۹۷-۹۸ بودند که ۴۰ نفر از آنان به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند و در دو گروه ۲۰ نفری آزمایش و کنترل قرار گرفتند. شیوه های آموزش ارزشهای دینی (با تاکید بر روش قصه گویی) بر روی گروه آزمایش در ۱۰ جلسه ۴۵ دقیقه ای اجرا گردید. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه ی خلاقیت تورنس (۱۹۷۴) و تفکر انتقادی ریکتس (۲۰۰۳) استفاده شد. فرضیه ها با استفاده از تحلیل کواریانس یکراهه آزمون شدند. که نتایج حاصل از آزمونهای آماری نشان داد شیوه آموزش ارزشهای دینی (با تاکید بر روش قصه گویی) بر خلاقیت و تفکر انتقادی در دانش آموزان دختر پایه ششم شهرستان سردشت تاثیر معناداری دارد. شیوه آموزش ارزشهای دینی (با تاکید بر روش قصه گویی) بر مولفه های خلاقیت (ابتکار، بسط، سیالی و انعطاف پذیری) در دانش آموزان تاثیر معناداری دارد. شیوه آموزش ارزشهای دینی (با تاکید بر روش قصه گویی) بر مولفه های تفکر انتقادی (خلاقیت، بالندگی و تعهد) در دانش آموزان تاثیر معناداری دارد.

واژگان کلیدی: ارزش های دینی (با تاکید بر روش قصه گویی)، خلاقیت، تفکر انتقادی

مقدمه

مدرسه یکی از مهم ترین نهادهای سازمان یافته و رسمی اجتماعی است که باید با فراهم نمودن محیطی سالم، به جسم و روان کودکان جامعه امکان شکوفایی داده و آن ها را نسبت به خود، خانواده و اجتماع مسؤول سازد (حسین زاده، ۱۳۹۵). بسیاری از صاحب نظران مانند انیس و همکاران^۱ (۲۰۰۳) بر این باورند که یکی از اهداف اساسی تعلیم و تربیت باید تربیت انسانهای متفکر باشد. بر اساس نظر والش و پائول^۲ (۲۰۰۹) تفکر انتقادی مهارتی است که ممکن است در هر فردی پیشرفت پیدا کرده و یا بهبود یابد. به هر حال تفکر انتقادی ضرورتاً با رشد افراد همراه نیست، بلکه باید آموزش داده شود.

تفکر انتقادی به عنوان یک فرآیند شناختی اساسی برای رشد و بهره مندی از دانش در نظر گرفته می شود و این نوع از تفکر برای حل مسئله و تصمیم گیری در هر بافتی، خواه اجتماعی، بالینی، اخلاقی، مدیریتی و خواه سیاسی قابل کاربرد است (گول و همکاران^۳، ۲۰۱۰). انجمن تفکر انتقادی به نقل از اشنایدر^۴ (۲۰۰۸) تفکر انتقادی را فرآیند نظم دادن فکورانه، مفهومی سازی فعالانه و ماهرانه، کاربست، تحلیل، ترکیب، و ارزیابی اطلاعات جمع آوری شده، یا تولید شده به وسیله مشاهده، تجربه، تأمل، استدلال یا ارتباطات به عنوان راهنما برای نظر و عمل تعریف کرده است. تعریف تفکر انتقادی و چگونگی یادگیری آن مدتهاست که کانون توجه دانش پژوهان و متخصصان آموزش بوده، چرا که آنها به عدم استفاده از این نوع تفکر به عنوان عاملی کلیدی در موفقیت های علمی و غیر علمی پی برده اند. اگرچه توجه به تفکر انتقادی دارای قدمتی چند هزار ساله است ولی صاحب نظران و اندیشمندان این حوزه «جان دیویی^۵» را پدر تفکر انتقادی مدرن می دانند. تحقیقات انجام شده در سطح جهان و در کشور ایران بیانگر آن است که فراگیران در کسب مهارت تفکر انتقادی در سطح مدارس و دانشگاه ها با مشکلات و کاستی هایی مواجه هستند. برای مثال سیلور (به نقل از مارزانو و همکاران، ۱۳۸۹) در بررسی نتایج امتحانات سراسری ارزیابی ملی پیشرفت آموزش و پرورش، به روشنی آشکار ساخته است که فراگیران تکالیف یادگیری خود را به صورت ماشینی و بدون تفکر انجام می دهند. پژوهش های انجام یافته در ایران نیز حاکی از آن است که توانایی فراگیران در سطوح بالای یادگیری به ویژه مهارت های عملکردی و فرایندی در مقایسه با فراگیران کشورهای دیگر بسیار کمتر است (عضدی و جهان ژور، ۱۳۸۹). برای مثال دانشجویان گروه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در مواجهه با سوالات غلط و متون اشتباهی به هیچ وجه از مهارت های تفکر انتقادی استفاده نکرده و در مواجهه با جزوات درسی تنها ۶/۸ درصد از آن ها صرفاً به برخی اشتباهات توجه کرده اند (مهدوی و رستمی، ۱۳۸۹).

همچنین یکی دیگر از متغیرهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد خلاقیت است، خلاقیت در گذشته پدیده ای مترادف با نبوغ تلقی می شد، اگر چه در اوایل قرن بیستم این تفکر رنگ باخت، نزدیک به نیم قرن طول کشید تا خلاقیت به طور علمی و دقیق مورد مطالعه قرار گیرد. رهبری این جریان علمی را گلیفورد به عهده داشت او معتقد بود که فعالیت خلاق مانند اغلب رفتارها نمایانگر تعداد زیادی مهارت های قبل یادگیری است. ممکن است از طریق توارث محدودیتهایی در این زمینه وجود داشته باشد، اما می توان از طریق آموزش در قالب این محدودیت ها، مهارت ها را گسترش داد. یکی از ویژگیهای ممتاز تفکر آدمی آفرینندگی یا خلاقیت است. در سالهای اخیر هم در مراکز پژوهشی و هم در محافل آموزشی مفهوم خلاقیت فراوان مورد بحث و بررسی بوده است و بی تردید پرورش خلاقیت یک از مهمترین هدف های آموزش به شمار می آید (چپرین، ۱۳۹۵). استاجانوا^۶ (۲۰۱۰) معتقد است ضرورت سرمایه گذاری در خلاقیت، کلید پیشرفت اجتماعی تلقی می شود همچنین داردویک^۷ نقل از سویر^۸ (۲۰۰۶) براین باور است خلاقیت پدیده ای پیچیده است، بنابراین مطالعه این پدیده بسیار دشوار است. زیرا هنوز ماهیت فرایند خلاقیت شناخته شده نیست. از دیدگاه مدیریتی قدرت خلاقیت به معنای پیدایی و تولید یک اندیشه و فکر نو است. که تأکید بر دو اصل بدیع اختراعی بودن و یگانگی و تازگی در این دو این تعریف ارائه شده از قدرت خلاقیت وجود دارد. نتایج تحقیق محی الدین احمد در سال ۱۹۸۱ (به نقل از خلیفه، ۱۳۷۸) بر روی نظام ارزشهای افراد خلاق نشان داد که افراد خلاق در ارزشهایی چون پیشرفت، راستی و صراحت به درجات بالایی نسبت به افراد غیر خلاق می رسند. گرملین^۹ (۲۰۰۳) نشان داد افرادی که فعالیتهای خلاقانه انجام می دهند، اعتماد به نفس و شادکامی آنها به طور قابل ملاحظه ای افزایش پیدا خواهد کرد.

ادبیات کودک نیز با استفاده از ظرفیت داستان، توانسته است موقعیت هایی را بیافریند که می توان از آن ها برای آموزش مهارت تفکر انتقادی سود جست (پارساپور و صدری زاده، ۱۳۹۲). علاوه بر این انتقال ارزشهای دینی به نسلهای جدید جامعه را می توان از وظایف

1. Ennis and et al.
2. Walsh and Pual
3. Gul and et al.
4. John dewey
5. Snyder
6. Stojanova
7. Dordevic
8. Sawyer
9. Gremlin

نهاد آموزش و پرورش دانست. در سالهای اخیر توجه به نیازهای نو در عرصه آموزش دین، رویکردهای جدید در امر آموزش، توجه بیش از پیش به جنبه های نگرشی آموزه های دینی، لزوم بهره گیری از روشهای نوین در تعلیم و تربیت دینی و بکارگیری تربیت دینی به منظور شکل گیری رفتارهای دینی و تقویت احساس دینی از طریق شناخت دین و تفکر در آن مورد توجه واقع شده است (گروه تألیف، ۱۳۹۶). معین (۱۳۸۹) بیان می دارد یادگیری از راههای مختلفی صورت می گیرد یکی از آنها قصه است. قصه در لغت به معنای حکایت، داستان و سرگذشت آمده است. قصه گویی می تواند به عنوان محرکی قوی مورد استفاده قرار گیرد و سطح کتابخوانی کودکان و نوجوانان را بالا برده و حوزه مطالعه آنان را گسترش دهد و ذوق و علاقه به کتاب خواندن را در آنان برانگیزد و فاصله میان خواندن و قدرت درک کودک را از بین ببرد. از طریق قصه گویی کودکان با تعداد زیادی از لغات آشنا می شوند که هم در کتابخوانی و هم در مکالمه از آن کمک می گیرند (حسین زاده ثمرتویی، ۱۳۹۳). حال با توجه به اینکه هنر قصه گویی جایگاه خاصی در پیشبرد برنامه های آموزشی دارد و تجربیات واقعی و عملی شایانی در اختیار شنوندگان خود می گذارد و در بسیاری از متون ادبی کهن و نیز در قرآن کریم بسیاری از ارزشها به زبان قصه بیان شده است، بنابراین اهمیت قصه و قصه گویی موضوعی نیست که فقط در زمان ما مورد توجه قرار گرفته باشد. بی اف. اسکینر که روانشناس رفتاری است می گوید: «قصه گویی می تواند احترام و اتکای به نفس را برای افرادی که به سنین میانسالی می رسند به ارمغان آورد. بتلهایم در این باره می نویسد در طول بخش عمده ای از تاریخ بشر، زندگی مصنوعی کودک، پس از تجربه های نخستین در چارچوب خانواده، متکی بر اسطوره ها و قصه های دینی و افسانه های جن و پری بوده است. این ادبیات باعث تقویت قوه تخیل کودک و تحریک خیال پروری او می شده و به علاوه، عامل مهمی در تربیت اجتماعی کودک به شمار می رفته است. اسطوره ها و افسانه های دینی نقش عمده ای در بالا بردن سطح اندیشه کودک و تعیین آرمانهای اجتماعی که هر کودک ممکن است خود را با الگوی آن همانند سازد، به عهده داشته اند (یاسایی به نقل از دهستانی و مجیب، ۱۳۸۷) با توجه به آن چه که بیان شد، در نظام آموزشی و پرورشی حال حاضر، بیشتر بر کمیت تأکید می -نمایند و آنچه که کمتر به آن توجه می گردد کیفیت و درونی سازی ارزشها و به ویژه ارزشهای دینی با استفاده از روش های یادگیری قدیمی است همچنین وارد شدن رسانه های گروهی اعم از ماهواره، وب -سایت ها، شبکه های اجتماعی و ...، در صورت نبود برنامه ای جامع برای تولید محتوایی غنی تر از برنامه -ها و افکار ارائه شده در رسانه های غیربومی می تواند سریع تر از آنچه که مورد انتظار است معنویات و ارزشهای دینی دانش آموزان را از وضعیت موجود به سطح پایین تری تقلیل دهند. همچنین مشخص نیست که نظام آموزشی کشور چه برنامه ای برای پرورش خلاقیت و رشد تفکر انتقادی دانش آموزان دارد با این وجود تحقیق حاضر با هدف بررسی تأثیر شیوه های آموزش ارزش های دینی (با تأکید بر روش قصه گویی) بر خلاقیت و تفکر انتقادی در دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهرستان سردشت انجام شده است.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق، آزمایشی و از طرح پیش آزمون و پس آزمون با دو گروه بود، که در این پژوهش محقق نمونه ای از دانش آموزان آموزش داده و قبل از آموزش میزان خلاقیت و تفکر انتقادی (پیش آزمون) از طریق پرسشنامه استاندارد شده در بین آزمودنی ها توزیع شده و بعد از آموزش نیز خلاقیت و تفکر انتقادی دانش آموزان (پس آزمون) سنجیده شد که در این تحقیق جهت یکسان سازی نمونه پژوهش، دانش آموزان دختر پایه ششم شهرستان سردشت انتخاب شدند. جامعه آماری در این تحقیق متشکل از کلیه دانش آموزان دختر پایه ششم شهرستان سردشت در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ که تعداد آنان ۲۷۰۳ نفر بودند که نمونه آماری در این تحقیق ۴۰ نفر در نظر گرفته شد که ۲۰ نفر برای گروه کنترل و ۲۰ نفر برای گروه آزمایش با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. برای تعیین نرمال بودن نمرات از آزمون شاپیرو ویلکز استفاده شد، و از آنکوا و مانکوا جهت آزمون فرضیه های تحقیق استفاده شد.

پس از گذراندن مراحل اداری و کسب اجازه برای اجرای پژوهش، از بین ۸ دبستان دخترانه شهر سردشت که دانش آموز سال ششم داشتند حجم نمونه انتخاب گردید. با اعضای گروه ها راجع به اهداف اجرای طرح و وظایف و نقشهای محوله صحبت، و رضایتشان جهت همکاری هر چه بهتر جلب شد. بعد پیش آزمون برای هر دو گروه به منظور اندازه گیری متغیر وابسته در یک زمان و تحت شرایط مشابه و یکسان اجرا گردید. گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه چهل و پنج دقیقه ای و با فاصله ی زمانی سه جلسه در هفته، در معرض متغیر مستقل قرار داده شد. لازم به ذکر است که آموزش ها و ارزیابی ها توسط پژوهشگر انجام گرفت.

برای گردآوری داده ها از دو پرسشنامه استاندارد شده استفاده شد. الف) پرسشنامه تفکر انتقادی ۳۳ سوالی ریتکس ۲۰۰۳: این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی است که میزان تمایل به تفکر نقادانه را می سنجد. فرم اصلی این آزمون دارای ۳۳ سؤال و شامل ۳ زیرمقیاس است. قسمت اول شامل ۱۱ سؤال از سوال ۱-۵-۷-۱۱-۱۴-۱۷-۲۴-۲۵-۲۶-۲۸-۲۹- برای سنجش مقیاس خلاقیت، قسمت دوم شامل ۹ سؤال از سوال ۲-۱۲-۱۵-۱۹-۲۳-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳ در خصوص مقیاس بالندگی و قسمت سوم شامل ۱۳ سؤال از سوال ۳-۲۷-۲۲-۲۱-۲۰-۱۸-۱۶-۱۳-۱۰-۹-۸-۴ برای مقیاس تعهد است. این ابزار با مقیاس پنج درجه ای لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم

از امتیاز ۱ تا ۵ نمره گذاری می شود که در سوالات ۲-۱۲-۱۵-۱۹-۲۳-۳۰-۳۲-۳۳ بصورت معکوس نمره گذاری می گردد. در هنجاریابی به عمل آمده روی عده ای از دانشجویان، ضریب پایایی زیر مقیاس خلاقیت ۰/۷۵، بالندگی ۰/۵۷ و تعهد ۰/۸۶ به دست آمده است. در خصوص پایایی پرسشنامه تفکر انتقادی ریگتس ۲۰۰۳ در هنجاریابی به عمل آمده روی عده ای از دانشجویان، ضریب پایایی زیر مقیاس خلاقیت ۰/۷۵، بالندگی ۰/۵۷ و تعهد ۰/۸۶ به دست آمده است (امیرپور، ۱۳۹۱). (ب) آزمون خلاقیت تورنس^۱: این آزمون بر پایه تعریف تورنس از خلاقیت ساخته شده است. به نقل از انیل و همکاران^۲ (۱۹۹۴) خلاقیت فرآیندی است شامل حساسیت به مسائل، کمبودها و بنبستها که به دنبال تشخیص مشکل به وجود می آید و به دنبال آن جستجو برای یافتن راه حل و طرح فرضیه های مربوط به آن آغاز میشود. سپس فرضیه ها و راه حلها آزمایش میشوند و تغییرات لازم در آنها به وجود می آید. تورنس خلاقیت را ترکیب چهار عامل اصلی می داند: ۱- سیالی: یعنی استعداد تولید ایده های فراوان، ۲- بسط: یعنی استعداد توجه به جزئیات، ۳- ابتکار: یعنی استعداد تولید ایده های نو و غیرمعمول و ۴- انعطاف پذیری: یعنی استعداد تولید ایده ها یا روشهای بسیار گوناگون (عابدی، ۱۳۷۲). این پرسشنامه دارای ۶۰ سوال که بصورت طیف لیکرت طراحی شده است می باشد و بر اساس ترکیب چهار عامل اصلی خلاقیت طراحی شده است. تورنس انیل و همکاران (۱۹۸۹) میگویند تا کنون بیش از دو هزار مقاله که در آنها از آزمون خلاقیت تورنس به عنوان ملاک سنجش خلاقیت استفاده شده، چاپ گردیده است. اولین بار حسینی لرگانی با مطالعه منابع مرتبط، پرسشنامه خلاقیت را به فارسی ترجمه کرده است و روایی پرسشنامه فوق را به تأیید چند نفر اساتید دانشگده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه رسانده است لازم به ذکر است که این پرسشنامه در چندین تحقیق دیگر، از جمله یار محمدی و اصلی (۱۳۷۹) و مساواتی آذر (۱۳۸۰) مورد استفاده قرار گرفته است. پایایی آزمون خلاقیت تورنس با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ توسط ۰/۷۸ توسط پورعباس (۱۳۷۹) به دست آمده است. روایی این آزمون نیز توسط پورعباس (۱۳۷۹) ضریب ۰/۶۳ بدست آمده که ضریب بالایی می باشد. هم چنین در هنجاریابی این آزمون توسط براهنی بر روی ۳۰۱۰ نفر در سطح شهر تهران پایایی ۰/۸۹ تا ۰/۹۵ و دامنه روایی ۰/۲۴ تا ۰/۶۱ گزارش گردیده است. آزمون خلاقیت از روایی قابل ملاحظه ای برخوردار است و در پژوهشهای متعدد ضریب پایایی آن ۰/۸۲، ۰/۸۶ و ۰/۸۹ برآورد شده است (نقل از شکری، ۱۳۹۵).

برای تجزیه و تحلیل داده ها از شاخص های توصیفی استفاده شد همچنین برای مشخص نمودن نرمال بودن توزیع داده ها از آزمون شاپیرو ویلیک استفاده گردید و برای تجزیه و تحلیل فرضیه ها از آزمون آنکوا و مانکوا استفاده شد که در سطح ۰/۰۵ مورد آزمون قرار گرفتند.

۱. Torrance Tests of Creative Thinking

۲. O' Neil & etal.

یافته های پژوهش

شاخص های توصیفی مربوط به نمرات خلاقیت و مولفه های آن (بسط، سیالی، ابتکار و انعطاف پذیری) و تفکر انتقادی و مولفه های آن (خلاقیت، بالندگی و تعهد) در دانش آموزان دختر پایه ششم شهرستان سردشت دو گروه آزمایش و کنترل که در جدول ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش در نمونه مورد بررسی

گروه	تعداد	پیش آزمون	پس آزمون
		میانگین و انحراف استاندارد	میانگین و انحراف استاندارد
خلاقیت	آزمایش	۲۰	۱۲۳/۲۵ و $\pm 6/781$
	کنترل	۲۰	۱۲۵/۹۵ و $\pm 6/057$
سیالی	آزمایش	۲۰	۳۰/۳۰ و $\pm 1/922$
	کنترل	۲۰	۳۲/۳۰ و $\pm 3/614$
بسط	آزمایش	۲۰	۲۲/۵ و $\pm 3/927$
	کنترل	۲۰	۲۲/۹۵ و $\pm 3/154$
ابتکار	آزمایش	۲۰	۴۷/۴۵ و $\pm 6/203$
	کنترل	۲۰	۴۶/۸۰ و $\pm 5/435$
انعطاف	آزمایش	۲۰	۲۳ و $\pm 3/179$
	کنترل	۲۰	۳۳/۹۰ و $\pm 3/307$
تفکر	آزمایش	۲۰	۱۰۸/۱۰ و $\pm 10/078$
	کنترل	۲۰	۱۱۲/۳ و $\pm 11/06$
انتقادی	آزمایش	۲۰	۳۴/۸ و $\pm 4/112$
	کنترل	۲۰	۳۵/۶ و $\pm 6/261$
بالندگی	آزمایش	۲۰	۳۱/۲۵ و $\pm 4/051$
	کنترل	۲۰	۳۳ و $\pm 3/293$
تعهد	آزمایش	۲۰	۴۲/۰۵ و $\pm 6/253$
	کنترل	۲۰	۴۳/۷ و $\pm 5/292$

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود، یافته ها نشان می دهد که میانگین نمرات خلاقیت و مولفه های آن (بسط، سیالی، ابتکار و انعطاف پذیری) و تفکر انتقادی و مولفه های آن (خلاقیت، بالندگی و تعهد) دانش آموزان در گروه آزمایش و کنترل، میانگین نمره های پس آزمون نسبت به پیش آزمون تغییر یافته است. همچنین با عنایت به چولگی و کشیدگی محاسبه شده می توان گفت داده ها از توزیع نرمال تبعیت می کنند.

جدول ۲ نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر عضویت گروهی بر نمرات خلاقیت و تفکر انتقادی دانش آموزان

متغیرهای پژوهش	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری	مجذور اتا	توان آماری
خلاقیت	3496/900	۱	3496/900	۴۱/۸۸۴	۰/۰۰۱	۰/۵۲۴	۱/۰۰۰
تفکر انتقادی	4223/025	۱	4223/025	۲۷/۵۱۹	۰/۰۰۱	۰/۴۲	۰/۹۹۹

همان طور که در جدول ۲ آمده است، بین میانگین‌های تعدیل شده نمرات خلاقیت و تفکر انتقادی در مقابل تغییر شرکت کنندگان بر حسب عضویت گروهی (گروه آزمایشی و گروه کنترل) در مرحله پس‌آزمون برای خلاقیت ($F=۴۱/۸۸۴$) و برای تفکر انتقادی ($F=۲۷/۵۱۹$) تفاوت معناداری وجود دارد ($P=۰/۰۰۵$). لذا فرضیه اصلی تأیید می‌گردد. بطوری که شدت این تأثیر در مرحله پس‌آزمون برای خلاقیت ۵۲/۴٪ و برای تفکر انتقادی ۴۲٪ می‌باشد.

جدول ۳ نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر عضویت گروهی بر نمرات مؤلفه های خلاقیت دانش آموزان

متغیرهای پژوهش	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری	مجذور اتا	توان آماری
سیالی	164/025	۱	164/025	13/810	۰/۰۰۱	0/267	۰/۹۵۹
بسط	207/025	۱	207/025	12/961	۰/۰۰۱	0/254	۰/۹۳۹
ابتکار	319/225	۱	319/225	23/760	۰/۰۰۱	0/385	۰/۹۹۷
انعطاف پذیری	198/025	۱	198/025	22/806	۰/۰۰۱	0/375	۰/۹۹۶

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود بین میانگین‌های تعدیل شده نمرات مؤلفه های خلاقیت (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری) در مقابل تغییر شرکت کنندگان بر حسب عضویت گروهی (گروه آزمایشی و گروه کنترل) در مرحله پس‌آزمون برای مولفه سیالی ($F=۱۳/۸۱۰$)، برای مولفه بسط ($F=۱۲/۹۶۱$)، برای مولفه ابتکار ($F=۲۳/۷۶۰$)، برای مولفه انعطاف پذیری ($F=۲۲/۸۰۶$) تفاوت معنادار وجود دارد ($P=۰/۰۰۵$). لذا فرضیه فرعی اول تأیید می‌گردد و شدت این تأثیر در مرحله پس‌آزمون برای سیالی ۲۶/۷٪، برای بسط ۲۵/۴٪، برای ابتکار ۳۸/۵٪ و برای انعطاف پذیری ۳۷/۵٪ می‌باشد.

جدول ۴ نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر عضویت گروهی بر نمرات مؤلفه های تفکر انتقادی دانش آموزان

متغیرهای پژوهش	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری	مجذور اتا	توان آماری
خلاقیت	810	۱	810	29/159	۰/۰۰۱	۰/۴۳۴	۱/۰۰۰
بالندگی	122/500	۱	122/500	5/422	۰/۰۲۵	۰/۱۲۵	۰/۶۲۱
تعهد	648/025	۱	648/025	22/626	۰/۰۰۱	۰/۳۷۳	۰/۹۹۶

همان طور که در جدول ۴ آمده است، بین میانگین‌های تعدیل شده نمرات مؤلفه های تفکر انتقادی (خلاقیت، بالندگی و تعهد) در مقابل تغییر شرکت کنندگان بر حسب عضویت گروهی (گروه آزمایشی و گروه کنترل) در مرحله پس‌آزمون برای خلاقیت ($F=۲۹/۱۵۹$)، برای بالندگی ($F=۵/۴۲۴$) و برای تعهد ($F=۲۲/۶۲۶$) تفاوت معنادار وجود دارد ($P=۰/۰۰۵$). لذا فرضیه فرعی دوم تأیید می‌گردد و شدت این تأثیر در مرحله پس‌آزمون برای خلاقیت ۴۳/۴٪، برای بالندگی ۱۲/۵٪ و برای تعهد ۳۷/۳٪ می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق با هدف تاثیر بررسی تاثیر شیوه های آموزش ارزشهای دینی (با تاکید بر روش قصه گویی) بر خلاقیت و تفکر انتقادی در دانش آموزان با استفاده از روش تحقیق شبه - آزمایشی انجام گرفت. و یافته های بدست آمده حاکی از تاثیر شیوه آموزش ارزشهای دینی (با تاکید بر روش قصه گویی) بر خلاقیت و مولفه های آن (ابتکار، بسط، سیالی و انعطاف پذیری) در دانش آموزان بود. شیوه آموزش ارزشهای دینی (با تاکید بر روش قصه گویی) بر مؤلفه های خلاقیت (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری) در دانش آموزان دختر پایه ششم شهرستان سردشت تأثیر معنی داری دارد، می توان گفت که بیشترین میزان اثرگذاری آن بر ابتکار، انعطاف پذیری، سیالی و سپس بسط است که نتایج بدست آمده منطقی بوده و با نظریه ها و همچنین تحقیقات پیشین همسو است. در واقع شنیدن قصه یکی از کارهای مورد علاقه کودکان و نوجوانان است. آنها با هیجان زیاد به داستان گوش می دهند و خود را در اختیار قصه گو قرار می دهند که در این صورت به صورت غیرمستقیم تأثیرات لازم را می پذیرند. مارتین و ریلی^۱ (۲۰۱۸) تحقیقی را با عنوان فرهنگ های تکاملی آموزش مذهبی: دیدگاه های جدید در مورد تحقیقات، سیاست ها و شیوه های انجام داده اند و بیان می دارند مقالاتی که در حوزه های تخصصی به بسیاری از مسائل مربوط به پژوهش، سیاست و عمل کمک می کنند در فرهنگ های آموزش دینی نقش دارند که در راستای نتایج یافته ای این پژوهش می باشد. یافته های این پژوهش با نتایج تحقیقات هندرو^۲ (۲۰۰۱)، عمادی فر (۱۳۸۹)، نصیری و همکاران (۱۳۹۰) و رضایی و ملکی (۱۳۹۱) سودی و سلیمان نژاد (۱۳۹۲)، سلمان پور (۱۳۹۲) همسو است و در راستای تأیید نتایج این تحقیق می باشند. یافته های پژوهش دهستانی و مجیب (۱۳۸۷) که با نتایج این تحقیق هماهنگ است نشان می دهد که آموزش مفاهیم علوم تجربی به روش قصه گویی باعث تثبیت و افزایش میزان یادگیری دانش آموزان در مفاهیم علوم تجربی می شود. در پژوهشی دیگر پارادو^۳ (۲۰۰۲) به بررسی تأثیر کارگاه های آموزشی معلمان روی خلاقیت شناخت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مستعد و غیرمستعد کلاس دوم ابتدایی پرداخت که منطبق با یافته های این فرضیه است. که با عایت به تحقیقات قبلی نتیجه می شود در صورتی که مهدهای کودک آموزش های رفتاری خود را بر اساس یک برنامه علمی و اصولی تنظیم کنند و از محتوای قرآنی بیشتر استفاده کنند و این محتوا را در قالب قصه به کودکان آموزش دهند، بسیاری از مشکلات رفتاری کودکان را می توانند کاهش دهند و از طریق قهرمانان قصه ها رفتارهای مناسبی را جایگزین رفتارهای قبلی نمایند (نقل از سودی و سلیمان نژاد، ۱۳۹۲). در تبیین نتایج می توان به دیدگاه ماسن (۱۳۹۲) اشاره نمود که بر این باور است برخی داستان های مبتنی بر اصول روان شناسی می توانند استعداد های ذهنی کودک را با توجه به کنجکاوی هایش آشکار سازند و زمینه بروز خلاقیت را، در کودک ایجاد کنند. هم چنین، داستان های مناسب اطمینان خاطر و اعتماد به نفس را در کودک پرورش می دهند و روحیه نوجویی و نوظللی را در اوتقویت می کنند و باعث می شوند کودک برای بیشتر دانستن و کشف روابط بین اجزاء و اشیاء هراسی به خود راه ندهد.

همانطور که در یافته ها ذکر شد شیوه آموزش ارزشهای دینی (با تاکید بر روش قصه گویی) بر تفکر انتقادی و مؤلفه های آن (تعهد، خلاقیت و بالندگی) در دانش آموزان دختر پایه ششم شهرستان سردشت تأثیر معنی داری دارد، می توان گفت بیشترین میزان اثرگذاری آن به ترتیب بر خلاقیت، تعهد و سپس بالندگی است که نتایج بدست آمده منطقی بوده و با نظریه ها و همچنین تحقیقات پیشین همسو است. در فرآیند فکری، توجه به روش های تدریس و اهداف در حوزه نگرشی ضروری تر به حساب می آید. اگر دانش آموز نسبت به مسأله ای احساس نیاز و علاقه نکند به پیگیری جریان فکری خود در مورد آن مسأله نخواهد پرداخت. در کنار توجه به سیستم مهارتهای تفکر انتقادی، طراحی محتوا و شیوه های تدریس با کیفیت بهتری زمینه تفکر محوری فراگیر را فراهم نماید. تفکر انتقادی، تفکری است با تاکید بر فرایند یادگیری و به زیر سؤال بردن اندیشه ها و باورهای خود و دیگران که با اولویت و تغییر در حوزه نگرشی فرد، زمینه تعامل اجتماعی او را فراهم می کند. حسین زاده ثمرتویی (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان داده است شیوه ی آموزش ارزشهای دینی (با تاکید بر روش قصه گویی) بر درونی سازی ارزش تفکر انتقادی تأثیر دارد که موید یافته های این پژوهش است. یافته های این پژوهش با نتایج تحقیقات جعفری^۴ (۲۰۱۶)، هندرو (۲۰۰۱)، لوئیتز^۵ (2007)، عطاران (۱۳۸۲)، باقری درمنی (۱۳۷۸)، شعبانی (۱۳۸۴)، اطهری و همکاران (۱۳۸۸)، نصیری و همکاران (۱۳۹۰)، امیرپور (۱۳۹۱)، حریری و باقری نژاد (۱۳۹۱)، کمالی زارچ، زارع و علوی لنگرودی (۱۳۹۱)، سودی و سلیمان نژاد (۱۳۹۲)، علی پور و همکاران (۱۳۹۲) و خلیلی (۱۳۹۲) هم خوانی دارد و در راستای تأیید نتایج این تحقیق می باشند. همچنین ایون و هلیانا^۶ (۲۰۱۴) در پژوهشی بیان می دارد آموزش و پرورش اخلاقی و مذهبی حاوی مفاهیم آموزشی عمیق است. مرویس و برتراند^۷ (۲۰۰۳) معتقدند مهدهای

1. Martin and Raili

۲. Hendro

3. Parado

4. Jafari

5. Lewittes

6. Ion& Heliana

7. Mervis & Bertrand

کودک به علت تنوعی که می توانند در ارائه برنامه های آموزشی خود داشته باشند، می توانند با استفاده از قصه ها و قصه گویی بسیاری از مهارت های اجتماعی را به کودکان آموزش دهند. همچنین در این راستا خلجی (۱۳۸۹) از جمله روش های تربیت انسان را روش معرفت و بصیرت بر می شمرد. وی با استناد به آیه ۱۰۴ سوره مبارکه انعام و نیز ذکر حدیثی گرانقدر از پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) بر بصیرت تأکید می ورزد. تحقیقات برادبیر^۱ و همکاران (۲۰۰۵) نشان داده است که قرارگیری در موقعیت های آموزشی مربوط به سلامتی با توجه به تجزیه و تحلیل، طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه ها، مهارت های تفکر انتقادی را افزایش می دهد. که در تبیین و توجیه نتایج کسب شده می توان گفت شیوه آموزش ارزش های دینی (با تأکید بر روش قصه گویی) توانسته است ارزش تفکر انتقادی و مؤلفه های آن را در دانش آموزان بهبود بخشده و روحیه جستجوگری و کنجکاوی را در دانش آموزان پرورش دهد و در نهایت آنها را با شوق و ذوق بیشتر برای اکتشاف برانگیزاند. همچنین می توان استنباط نمود که دانش آموز در این رهگذر به سطحی از شناخت و آگاهی، و درجه ای از تفکر و استدلال دست می یابد و بر اثر دنبال کردن حوادث، ماجراها و همانند سازی با شخصیت های قصه، به تأثیر پذیری متعهد، عاطفی و اخلاقی نائل می شود.

با توجه به نتایج بدست آمده، به آموزگاران توصیه می گردد اصول و چارچوب های کلی زیر را در فرآیند یاددهی- یادگیری با بهره گیری از شیوه ی آموزش ارزش های دینی (با تأکید بر روش قصه گویی) در راستای درونی سازی ارزش تفکر انتقادی و خلاقیت در دانش آموزان و فراهم نمودن موقعیت مطلوب آموزشی همواره مورد توجه قرار دهند. مؤلفان کتب درسی یک فصل را به تفکر انتقادی و خلاقیت در پایه ششم مقطع ابتدائی تخصیص دهند. که با برگزاری دوره های آموزشی در خصوص شیوه های آموزش ارزش های دینی (با تأکید بر روش قصه گویی) معلمان را به اهمیت این روش بیشتر آگاه ساخته تا بتوانند بصورت علمی و عملی زمینه درونی سازی ارزش خلاقیت را بهتر فراهم نمایند. به آموزگاران توصیه می شود دروسی که باید با شیوه های آموزش ارزش های دینی (با تأکید بر روش قصه گویی) تدریس شوند در فرآیند تدریس فضایی را فراهم آورند که دانش آموز محیط کلاس را همانند جهان واقعی بپندارد و محتوای آموزشی طوری به دانش آموز انتقال داده شود که تفکر انتقادی در دانش آموزان را پرورش دهد. همچنین به پژوهشگران این حوزه پیشنهاد می گردد، از نظریه های دیگر موجود در زمینه شیوه های آموزش ارزش های دینی بر درونی سازی ارزش تفکر انتقادی و خلاقیت استفاده نمایند و از جامعه های آماری متفاوت با پژوهش حاضر جهت بررسی صحت و سقم فرضیه های پژوهشی مثلاً جامعه ی دانشجویان و معلمان استفاده شود.

منابع و مأخذ:

- اسکندری، حیسین و کیانی، ژاله (۱۳۸۶). تأثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه ورزی و پرسش گری دانش آموزان. فصلنامه ی مطالعات برنامه درسی، سال دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۶، ۳۶-۱.
- اطهری، زینب السادات؛ شریف، مصطفی؛ نعمت بخش، مهدی و بابا محمدی، حسن (۱۳۸۸). ارزیابی مهارت های تفکر انتقادی و ارتباط آن با رتبه آزمون سراسری ورود به دانشگاه در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۹(۱)، ص ۵۱.
- امیرپور، بزرو (۱۳۹۱). رابطه تفکر انتقادی و ابعاد آن با شادکامی و عزت نفس اجتماعی دانشجویان. فصل نامه راهبردهای آموزش. دوره ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱، ۱۴۷-۱۴۳.
- باقری درمنی، امیر (۱۳۷۸). بررسی نقش قصه در روند رشد شخصیت کودکان از نظر مربیان مهدهای کودک شهر تهران. پایان نامه جهت اخذ دوره کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات.
- پارسا پور، زهرا و صدری زاده، نگین (۱۳۹۲). بررسی آموزش مهارت تفکر انتقادی در ادبیات داستانی کودک. کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۱۹۲، مهرماه ۹۲، ۶۶-۵۹.
- چپرین، افسانه (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش خلاقیت بر نگرش کارآفرینانه مددکاران اجتماعی بهزیستی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی.
- حریری، نجلا و باقری نژاد، زهره (۱۳۹۱). تحلیل رابطه انگیزش و تفکر انتقادی با کاوش اینترنتی ارادی مطالعه موردی: دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، تابستان ۱۳۹۱، جلد ۲۷، شماره ۴، ۸۰۱-۸۲۲.
- حسین زاده ثمرتوتی، ژیلا (۱۳۹۳). بررسی تأثیر شیوهی آموزش ارزش های دینی بر درونی سازی ارزش تفکر انتقادی در دانش آموزان دختر پایه ششم مقطع ابتدائی ناحیه یک شهرستان ارومیه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه.
- حسین زاده، یوسف (۱۳۹۵). بررسی رابطه باورهای غیرمنطقی و هوش معنوی با اضطراب امتحان در دانش آموزان متوسطه دوم بوکان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد.
- خلجی، حسن (۱۳۸۹). شیوه های قرآنی نهادینه کردن ارزش های دینی در کودکان و نوجوانان. بی جا.
- خلیفه، عبداللطیف محمد (۱۳۷۸). بررسی روانشناختی تحول ارزشها. ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- خلیلی، کریم (۱۳۹۲). رابطه بین تفکر انتقادی با کاهش ناهماهنگی (برانگیختگی - شناختی) دانش آموزان پسر دوم متوسطه شهر تبریز در سال ۹۲-۹۱. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
- خورشیدی، عباس (۱۳۸۶). شیوه های کاربردی کردن خلاقیت در نظام آموزشی. فصلنامه مدیریت نظامی، تهران: دانشگاه امام علی(ع)، سال هفتم، شماره پنجم، بهار ۱۳۸۶، ۵-۲۵.
- دهستانی، نرگس و مجیب، فرشته (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مفاهیم علوم تربیتی به روش قصه گوئی بر میزان یادگیری دانش آموزان دختر پایه اول ابتدایی شهر تهران سال تحصیلی ۸۷-۸۶. مجله روانشناسی تربیتی، شماره ۱۱، بهار ۱۳۸۷، ۷۶-۵۹.
- رضایی، مهدی و ملکی، حسن (۱۳۹۱). بررسی تأثیر شیوه آموزش ارزش های دینی بر درونی سازی ارزش عفاف مبتنی بر دیدگاه «تربیت منش و شخصیت» توماس لیکن. فصلنامه اسلام و پژوهش های تربیتی، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۱، ۱۳۳-۱۲۴.
- سلمان پور، الهام (۱۳۹۲). ارتباط سبک یادگیری سرعت شناختی با پیشرفت تحصیلی و خلاقیت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه در سال تحصیلی ۹۲-۹۱. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد چالوس، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- سودی، حورا و سلیمان نژاد، اکبر (۱۳۹۲). بررسی تاثیر قصه های قرآنی بر سازگاری اجتماعی کودکان. مجموعه مقالات ارائه شده در همایش شعبانی، زهرا (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی برنامه های درسی دینی و اخلاقی دوره ابتدایی در ایران و چند کشور جهان. فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیست و یکم، شماره ۳ پاییز ۱۳۸۴، ۸۳، ۱۱۹-۱۶۶.
- شکری، عارفه (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین شادکامی و قدرت ریسک مدیران مدارس ابتدایی با خلاقیت آنان در شهرستان شاهین دژ در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- عابدی، جمال (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه های نو در اندازه گیری آن. مجله پژوهش های روانشناختی، دوره دوم شماره ۲۱، ۵۴-۴۶.
- عضدی، پرویز و جهان ژور، فائزه (۱۳۸۹). مقایسه سطح مهارتهای تفکر انتقادی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر. نشریه مجله دانشگاهی یادگیری الکترونیکی، شماره دوم، پاییز ۸، ۱۰-۱۶.
- عطاران، محمد (۱۳۸۲). آرای مربیان بزرگ مسلمان در باره تربیت کودک. تهران: انتشارات مدرسه

- علی پور، وحیده؛ سیف نراقی، مریم؛ نادری، عزت اله و شریعتمداری، علی (۱۳۹۲). تأملی بر موانع تفکر انتقادی در برنامه درسی آموزش متوسطه. پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال دهم، دوره دوم، شماره ۹، پیاپی ۶۳، بهار ۱۳۹۲، ۲۱-۲.
- عمادی فر، هادی (۱۳۸۹). بررسی تأثیر شیوه قصه گویی در مسیر رشد و تحول اجتماعی، عقلانی، اخلاقی و تخیل دانش آموزان دوره دبستان. پایان نامه کارشناسی، مرکز تربیت معلم آیت الله طالقانی قم.
- کمالی زارچ، محمود؛ زارع، حسین و علوی لنگرودی، سمیه السادات. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر باورهای معرفت شناختی دانشجویان. دو فصلنامه شناخت اجتماعی، سال اول، شماره ۲، پائیز و زمستان ۹۱، ۱۴-۳۱.
- گروه تألیف تعلیم و تربیت دینی (۱۳۹۶). کتاب معلم (راهنمای تدریس) هدیه آسمان دوم دبستان. تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتابهای درسی.
- ماززانو، رابرت جی. و دیگران (۱۳۸۹). ابعاد تفکر در برنامه ریزی درسی و تدریس. ترجمه ی احقرقدسی احقر، تهران: نشر یسپرون.
- ماسن، پاول هنری (۱۳۹۲). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی، تهران: انتشارات نشر مرکز.
- معین، محمد (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مهدوی، زهرا و رستمی، سمیه (۱۳۸۹). بررسی نقش تفکر انتقادی در پرستاران شاغل در بخش ان آی سی یو دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مقاله ارائه شده در اولین همایش کشوری تفکر انتقادی و نظام سلامت، اسفندماه ۱۳۸۹ اصفهان.
- نصیری، فخرالسادات و همکاران (۱۳۹۰). درونی کردن ارزش های اسلامی در میان دانش آموزان از دیدگاه مربیان تربیتی (مطالعه موردی دبیرستان های دخترانه شهر همدان). نشریه مهندسی فرهنگی، سال ششم، شماره ۵۷ و ۵۸، مهر و آبان ۱۳۹۰، ۷۴-۸۵.
- Broadbear JT, Guang J, Bierma TJ. (2005). Critical thinking dispositions among undergraduate students during their introductory health education course. *The Health Educator*, 2005; 37, 1- 8.
- Gremlin, B. (2003). Students Satisfied. Retrieved February 21, 2013 from: <http://www.cwra.edu/orgs/observer/opro3/index/head 01>.
- Gul, R, Cassuma, SH, Ahmada, A, Khana, SH, Saeeda, T, Parpio, Y. (2010). Enhancement of critical thinking in curriculum design and delivery: A randomized controlled trial for educators. *Procedia Soc Behav Sci*, 2 (2), 3219-25.
- Hendro, J. (2001). KDU e-Community Network. *The Internet and Higher Education*. Volume 4, Issues 3-4 , 317-328
- Ion, C. and Heliana, M. (2014). The Moral-religious Education – A Support of Self-conscience Training. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 116, 2155 – 2163.
- Jafari, S. (2016). Religion and spirituality within counselling/clinical psychology training programmes: a systematic review. *British Journal of Guidance & Counselling*, Volume 44, Issue 3, 257 – 267.
- Lewittes, H. (2007). Collaborative learning for critical thinking. State university of New York. Colleye at old westbury- Retrieved on Jan ۱۴, from [http:// WWW.aucu.org/meetin ys/](http://WWW.aucu.org/meetin ys/)
- Martin, U. and Raili, K.P. (2018). Evolving cultures of religious education: new perspectives on research, policies and practices. *Journal of Beliefs and Values: Studies in Religion & Education*, 39(2), 127-131.
- Mervis, M. M. & Bertrand, F.J. (2003). The emergence of learning –related social skills. *Early childhood Research Quarterly*, 18, 206-224.
- Parado, SH. (2002). Effects of a teacher training works shop on creativity, cognitive school achievement. *High ability studies*, 13(1), 47-58.
- Sawyer, R.K. (2006). *The Cambridge Handbook of the Learning Sciences*. Cambridge: University Press.
- Snyder, L., & Gueldenzph. S., & Mark. J. (2008). Teaching critical thinking and problem solving skills. *The Delta Pi Epsilon Journal*. Volume 1, No. 2, 90-99.
- Stojanovaa; B. (2010). Development of creativity as a basic task of the modern educational system. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 3395-3400, Available online at: www.sciencedirect. Com
- Thomas. J. (2005). Facilitation of critical thinking and deep cognitive. Processing by structured discussion Board Activities. Available: [Http://WWW. dwu.ac.uk](http://WWW. dwu.ac.uk).